



دوره هفتم تقنینیه

جلسه	<h1>مذاکرات مجلس</h1>	شماره
۷۸		۷۸
تاریخ تأسیس آذر	مندرجات	قیمه اشراك
۱۳۰۵	فقط شامل مذاکرات مشروح جلسات مجلس شورای ملی	داخله ایران سالیانه ده تومان خارجه « دوازده تومان
جلسه پنجشنبه	خواهد بود	قیمه تك شماره
آبان ماه ۱۳۰۸	پس از ختم هر جلسه کلیه مذاکرات در يك شماره منتشر میشود	يك قران
مطابق ۱۱ جادی ۱۳۰۸	مطبعة مجلس	
۱۳۴۸		

مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس روز پنجشنبه ۲۳ آبان ماه ۱۳۰۸ * (۱۱ جادی الثانیه ۱۳۴۸)

فهرست مذاکرات

- ۱) تصویب صورت مجلس
- ۲) تصویب يك فقره مرخصی
- ۳) شور اول لایحه تأمین مدعی به تا ماده ۳
- ۴) استرداد لایحه راجع به استخدام افراد نظمیّه
- ۵) بقیه شور لایحه تأمین مدعی به از ماده ۴
- ۶) موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه

مجلس یکساعت و نیم قبل از ظهر بریاست آقای دادگر تشکیل گردید

(۱ - تصویب صورت مجلس)

صورت مجلس روز یکشنبه ۱۹ آبان ماه را آقای اورنگ شیخ الملکی (منشی) قرائت نمودند * *

* عین مذاکرات مشروح هفتاد و هشتمین جلسه از دوره هفتم تقنینیه باستثنای مذاکرات قبل از دستور (مطابق قانون ۸ آذر ماه ۱۳۰۵) دایره تند نویسی و تحریر صورت مجلس

* * * اسامی غائبین که ضمن صورت مجلس خوانده شده است : غائبین جلسه ۷۶ : غائبین با اجازه آقایان ، شیرانی - جبرئیل - طباطبائی دیا - افغمی - نجبر فرمند - امیر ابراهیمی - محمود رضا - خواجوی - هزارجریبی - دکتر سنک - آشتیانی - حبیبی - بیات ماکو - بالزی - دیوان بیگی - اعظم زنکنه - حاج میرزا حبیب الله امین - فرشی - مولوی - صادقی - اسکندری - مرآت اسفندیاری - طباطبائی وکیلی - طالبخان - امیر حسین خان - اسمد - بیات - محمد آخوند - تیمور ناش

غائبین بی اجازه - آقایان : وهاب زاده - عبدالعصین خان دیا - میرزا حسن خان وثوق - مسعود - محمد ولی میرزا - آصف - آقا زاده سبزواری - حبیبی - سهرابخان - قوام - حاج رحیم آقا - میرزا ابوالفضل - آقا رضا مهدوی - حاج حسین آقا مهدوی - شیخ علی مدرس - حاج حسن آقا ملک - حاج غلامحسین ملک

دیر آمدگان با اجازه - آقایان : نجومی - زوار - یور محسن - دهستانی - دشتی - اسدی - حکمت - بروجری - دیر آمدگان بی اجازه - آقایان : عباس میرزا - شریعت زاده - فولادوند - هراز

غائبین جلسه ۷۷ : غائبین با اجازه - آقایان : شیرانی - حبیبی - طباطبائی دیا - نجبر فرمند - امیر ابراهیمی - اور رضا - خواجوی - دهستانی - هزار جریبی - دکتر سنک - امیر عاسری - حبیبی - بیات ماکو - مولوی - طالبخان - آخوند - تیمور ناش

غائبین بی اجازه - آقایان : وهاب زاده - میرزا حسنخان وثوق - مسعود - آصف - اعظم - حاج میرزا حبیب الله امین - دهستانی - قوام - حاج رحیم آقا - میرزا ابوالفضل - حاج حسین آقا مهدوی - شیخ علی مدرس - حاج حسن آقا ملک - حاج غلامحسین ملک - دیر آمدگان بی اجازه - آقایان : عبدالعصین خان دیا - دکتر ابراهیم - اسدی - هراز - سهرابخان - مسعودی

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - قبل از دستور

رئیس - در صورت مجلس نظری نیست ؟

(نمایندگان - خیر)

رئیس - صورت مجلس تصویب شد .

(۲) تصویب يك فقره خبر کمیسیون مرخصی)

رئیس - يك فقره راپرت از کمیسیون عرایض و مرخصی

رسیده است قرائت میشود :

آقای سهرابخان ساکینیان نماینده محترم بواسطه گرفتاری محلی تقاضای ۲۰ روز مرخصی از تاریخ ۲۷ مهر نموده . کمیسیون با مرخصی نماینده محترم موافق و اینک خبر آن تقدیم میشود .

رئیس - آقای روحی

روحی - موافقم

رئیس - آقای ملک مدنی

ملک مدنی - موافقم

رئیس - آقای ضیاء

ضیاء - موافقم

بعضی از نمایندگان - مخالفی نیست

رئیس - موافقین با این خبر قیام فرمایند . (اکثر

نمایندگان قیام نمودند) تصویب شد .

(۳) - شور لایحه تأمین مدعی به)

رئیس - خبر کمیسیون قوانین عدلیه راجع به تأمین

مدعی به خوانده میشود :

خبر از کمیسیون قوانین عدلیه به مجلس مقدس شورای ملی

کمیسیون قوانین عدلیه لایحه نمره ۱۶۸۴۶ دولت

راجع به تأمین مدعی به را مطرح و مورد شور و مذاقه

قرار داده از نظر حفظ حقوق مدعیان با اساس لایحه

مزبور موافقت و پس از تشکیل جلسات عدیده بالاخره

مواد پیشنهادی را با اصلاحاتی تصویب اینک راپرت آنرا

برای شورا اول بشرح ذیل تقدیم مجلس شورای ملی مینماید .

رئیس - مواد مفصل است طبع و توزیع هم شد

است آقایان هم دارند . شور اول و مذاکره در کلبان

است . آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - موافقم .

رئیس - آقای کازرونی

کازرونی - عرضی ندارم .

رئیس - آقای زوار

زوار - موافقم .

رئیس - آقای وثوق

سید مرتضی وثوق - موافقم .

بعضی از نمایندگان - مخالفی ندارد

رئیس - رای میگیریم بشور در مواد موافقین درود

در شور مواد قیام فرمایند .

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد . ماده اول قرائت میشود :

ماده اول - از حین تقدیم عرضحال تا اعلان ختم

محاكمه در مرحله بدوی (صاحبیه یا ابتدائی) میتوان

تأمین مدعی به را تقاضا کرد . بعد از صدور حکم

حضوری نیز محکوم له ابتدائی میتواند از محکمه که حکم

را صادر کرده است تقاضای تأمین محکوم به را بیاورد

این در صورتی است که مدعی به قبلاً تأمین نشده باشد

در خواست تأمین در محکمه استیناف پذیرفته نمیشود .

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - قانون تأمین مدعی به که در

این دوره هفتم موفق شد دولت که تقدیم مجلس

این يك مسئله ایست که فوق العاده اهمیت دارد . بنده

کاملاً در نظر داشتم در دوره دوم مجلس که اخوی شرف

انتخاب رکالت را داشت و یکی از اعضاء کمیسیون تشکیل

قوانین عدلیه بودند يك عشق فوق العاده داشت (با هم

مسابه بودیم) وزحمت میکشید که اصل فقهی را در

این باب اتخاذ کند که راجع به مسئله تأمین مدعی به

و این که حالا در تأمین مدعی به وارد میشود

مطلب معلوم شود که یکی از علمای فقهی در این باب

رای داشته باشد استخراج بکند بالاخره در دو کتاب

نذکره علامه و مسالك شيخ شهید مسئله تأمین مدعی به

يك عنوان اشاره شده است و او اینکه مفصل نیست پس

اصل تأمین مدعی به يك اصلی است اسلامی و حالا يك

نزیبانی که برای عصر حاضر میتوانیم بآن عمل کنیم

عدلیه ما يك قدمهائی برداشته است که آن قانون را

مرتب کند و با این قانون هم مثل سایر قوانینی که

برای عدلیه نوشته ایم قوانین عدلیه مان را مرتب کنیم

این يك موضوع ، موضوع دوم این که قوانینی که ما

میگذرانیم قوانین آسمانی نیست قوانین بشری است قوانین

بشری لابد فلسفه و حکمتی دارد که مقنن آن قانون آن

فلسفه و حکمت در نظرشان است و مطابق آن فلسفه

و حکمت آن قانون را وضع میکنند قانون تبعیدی

نیست که بگوئیم باید کورکورانه اطاعت کنیم لابد وضع

قانون از روی يك فلسفه است پس وقتی که از روی

فلسفه است در هر جا که با اصطلاح حکمت و برهان او

آمد یعنی دلیل اثبات او آمد ما باید او را اتخاذ کنیم

در جای که آن فلسفه نباشد نمیتوانیم اتخاذ کنیم

چرا ؟ چون قانون تبعیدی نیست و در این قوانین که ما

باید بگوئیم که چون مقنن گفته است ما باید اتخاذ کنیم خبر

چون فلسفه دارد ما اتخاذ میکنیم . این اصل اساسی است که این

را ما باید کاملاً در نظر بگیریم و وارد در مصداق قانون

بشوریم و وارد در مواد آن بشوریم . اساس و فلسفه تأمین

مدعی به آن چیزی است که ذکر کرده اند شاید دلایل

دیگری هم داشته باشد ولی اساس صیانت حق مدعی است

و یکی تضییق بر مدعی علیه است . صیانت حق مدعی

به چه معنی ؟ مدعی وقتی که در يك محکمه تقدیم عرضحال

میکند و دعوائی را در محکمه طرح میکند این خودش

را صادق میدانند شاید در صد نام هم همانطور که صحبت

هم در کمیسیون شد هشتاد نفرشان در صد نفر صادق

هستند و حکم بر اغلیت و اکثریت است چون در صد نام

هشتاد نفرشان صادق هستند پس ما حکم میکنیم که

کل مدعی که وارد میشود تا حکم به بطالن ادعایش

داده نشده است صادق است پس نظر باینکه این اصل

را ما اتخاذ کرده ایم که مدعی که تقدیم عرضحال

کرده است صادق است پس قانون قضاوت ما را و امیدارد

که بقدر امکان صیانت حق او را بکنیم صیانت کردن

حق او به چه چیز است ؟ باین است که يك تضییق و

يك سخت گیری نسبت به مدعی علیه بشود که حق مدعی

از بین زود سخت گیری کردن در دوره که ما زندگی

می کنیم باین ترتیب است حالا که نمیشود چوب و فلک

آورد در ممالکی که رو به زرقی رفته اند این کارها نمیشود

باید از روی يك راههائی که نزدیک به حالات عمومی است

يك تضییقاتی بشود باین فلسفه و حکمت گفته اند و باعث

شده است برای اینکه مدعی در ضمن تقدیم عرضحال

خودش در جائی که ادعا میکند تأمین بکند مدعی به

خودش را یعنی از محکمه تقاضا کند که مدعی بهی که من

دارم برای اینکه مدعی علیه در بین محاکمه تلف نکند

و تضییع نکند اموال خودش را و اموال خودش را از

بین نبرد این مدعی به را تأمین بکنند که محاکمه من

تمام شود اگر محاکمه من تمام شد من غالب بودم که

مالم را میدهید این فلسفه تأمین مدعی به است . نظر

باین فلسفه و حکمتی که داعی شده است بر ایجاد چنین

قانونی که در خواست تأمین مدعی به را بکند بنده

میخواهم بگویم که علت هر جا که آمد حکمت هر جا که

آمد باید معلول هم پشت سرش بیاید . این اعضاء محترم

کمیسیون هستند آقای باستانی هم که مخبر است تشریف دارند

چون در اینجا نوشته است که تأمین مدعی به در

عرضحال بدوی است یعنی اگر تقدیم عرضحال شد بمحکمه

— ۲ —

— ۲ —

صلحیه و تقاضای تأمین مدعی به واقع شد یا در محکمه ابتدائی واقع شد در خواست تأمین میشود کرد بنده بر خلاف این هستم بنده عرض میکردم در جاهائی که قضاوت میشود چه صلحیه چه ابتدائی چه استیناف هر جا که قضاوت میشود نه در دیوان نیز که در آنجا نقض و ابرام است هر جاهائی که قضاوت است و وارد ماهیت دعوی میشود این فلسفه که صیانت حق مدعی باشد و این فلسفه که تضییق بر مدعی علیه باشد موجود است فلسفه که موجود و واقع شد پس در تمام مراتب دعوائی که راجع به ماهیت دعوی باشد این حق امدعی دارد. این يك موضوع موضوع دیگر که باز در شور اول در کمیسیون هم عرض کردم این است که مسئله راجع به بعد از صدور حکم حضوری است. حکمی که از محکمه صادر میشود با حکم حضوری است یا حکم غیابی برای اینکه قانون حق کسی را پایمال نکرده باشد آمده است و مدت اعتراض قرار داده است. حکم غیابی صادر شد ده روز مدت اعتراض در کمیسیون ما قائل شدیم و قرار دادیم که بعد از این مدت برای اعتراض ده روز باشد. ده روز هم از برای استیناف قرار شد انشاء الله يك قدمهای خوبی بر میداریم حالا چون آقای وزیر آمدند این قسمت را در پراتز عرض میکنم (که همیشه در این مدتی که ما با این وزیر کار میکنیم نمیگوید که این چیزی که از مغز من یا اعضاء عدلیه بیرون آمده است از مغز کسی بیرون نمی آید مسئله را طرح میکنند میگوید من سر حرف خودم نایستاده ام حرف دیگران را هم گوش میدهم اگر صلاح مملکت باشد دیگر نمیگوید که چون ما قانون را آورده ایم حرف من نباید پایمال شود میگوید من این قانون را آورده ام اگر ضرر دارد بیان کنید این اخلاق را در کمیسیون دارند و در مجلس هم همین عقیده را دارند). حالا در این جا در مسئله استیناف این عقیده ام بود. در مسئله حکم حضوری این جا دارد در وقتی که حکم حضوری

بدی باشد یا استیناف. حق دارد تقاضای تأمین نماید و همچنین پس از صدور حکم حضوری و در حکم غیابی پس از انقضای مدت اعتراض. این را تقدیم میکنم چون برای شور ثانی میرود به کمیسیون در آنجا مطالعه میشود باز هم تکرار میکنم این قانون خیلی قانون با اهمیتی است و خیلی کار محاکمات ما را سریع و خوب میکند و خیلی اصلاح می کند و قدمهای سریعی برداشته میشود برای اینکه زود کار در عدلیه تمام شود پس خوب است خرجی بشود در این قانون بلکه انشاء الله موفق بشویم.

وزیر عدلیه - (آقای داور) نماینده محترم بیاناتی فرمودند که دو قسمت آن را سابقاً چند دفعه در کمیسیون فرموده بودند ولی متأسفانه بنده نتوانستم با نظر ایشان موافقت بکنم یعنی قانع نشدم همینطور هم اکثریت کمیسیون حالا هم باز این جا اظهار فرمودند بنده هم بطور اجمال جوابهایی که در کمیسیون قبلاً با ایشان داده بودم در اینجا هم برای اینکه بعضی آقایان رسیده باشد عرض میکنم البته باز هم پیشنهاد ایشان میرود بکمیسیون و مجدداً مطالعه میشود که در صورتیکه مصلحت را در این دیدند که این پیشنهاد قبول شود ممکن است بنده هم قبول کنم. این دو قسمت يك قسمت ثانی هم اظهار کردند که بنده سابقه ندارم راجع بحکم غیابی (آقای سید یعقوب صحیح است) بنابر این آن را فعلاً هیچ اظهار نظری عرض نمیکند که پیشنهاد ایشان وقتی آمد بکمیسیون عدلیه با يك مطالعه و شور بیشتر و بهتری دقت میشود و البته آنوقت بیشتر در اظهار نظر کرد که آداب مسئله مربوط با حکام غیابی هم باید تقاضای تأمین محکوم به را کرد و میشود این تقاضا قبول کرد بانه این را میگذاریم برای بعد و بوقت خودش. اما در آن دو قسمتی که اظهار فرمودند يك قسمش که اصلاح عبارتی است در صورتیکه گفتند بنده تقاضا نشدم ولی چون مسئله اصلاح عبارتی است فعلاً نظر ارزش ندارد که ما در آن بحث کنیم البته باز در کمیسیون پیشنهاد ایشان مطالعه خواهد شد در صورتیکه

موافقت بشود بنده هم حرفی ندارم که عبارت واضح تر باشد اما مسئله اساسی که نماینده محترم در کمیسیون هم فرمودند اینجا هم تکرار کردند که ما تأمین مدعی به را اساساً مفید میدانیم باید در هر مرحله این را دارای همان خاصیت بدانیم یعنی دارای فایده بدانیم و ارزش استفاده کنیم این اصل مطلب بود در بادی نظر هم البته باید این را قائل شد و تصدیق کرد ولی وقتی که يك قدری وارد در تفصیل میشود آنوقت برایش يك دلائل قوی پیدا میکنیم یعنی این نظر آقارا نمیتوانیم بلك منعلق حکمی بیائیم و بالاخره ما سونیم چرا ؟ چون مدعی در محکمه ابتدائی بیکی از چند صورت کارش در می آید : یا اینکه محکوم له شده است یا محکوم علیه شده است یا این که در يك قسمت محکوم له و در يك قسمت دیگر از ادعای خودش محکوم علیه شده است. اگر محکوم له شد که میتواند از آن محکمه ابتدائی که حکم را باو داده تأمین محکوم به را بخواهد. يك کسی رفته است ده هزار تومان ادعا کرده است در محکمه ابتدائی و بالاخره حرف و ادعای خودش را هم پیش برده و طرف را محکوم کرده است و حکم داده شده است که طرف (مدعی علیه) باید ده هزار تومان پول بدهد اینجا هیچ مانعی ندارد که اگر تا آنوقت شخص تأمین مدعی به را نخواست بود حالا که حکم صادر شده و آنطرف هم استیناف داده آنوقت بیاید و تأمین محکوم به را تقاضا کند پس در این صورت هیچ موضوع پیدا نمیکند که بیاید و از استیناف این تقاضا را بکند اگر هم احتیاج داشته باشد که محکوم به خودش را تأمین بکند باز باید رجوع بکند بمحکمه ابتدائی و بعد هم بنده عرض میکنم فوائدی که در عمل رجوع بمحکمه ابتدائی دارد و اشکالاتی که رجوع بمحکمه استیناف تولید خواهد کرد این شق اول یعنی آن شقی که مدعی محکوم له شده است در محکمه. اما شق دوم که مدعی محکوم علیه شده رفته است بلك ادعائی کرده است محکمه ابتدائی هم رسیدگی کرده است و حکم بر علیه او داده است حالا اینجا می آید در

استیناف در استیناف اگر بخواند صبر کند که کارش وقتی درست رسیدگی شد در آخر محکمه استیناف قرار تأمین را بدهد که آنوقت حکم را خواهد داد و اشکالی ندارد اگر هم بخواند قبل از رسیدگی حکم بدهد که این کار مشکلی است چرا ؟ برای اینکه يك کسی که رفته است و ادعائی کرده و در يك مرحله با دعای او رسیدگی شده و آن ادعای او را بی اساس تشخیص داده اند حالا يك محکمه در مرحله ثانی (استیناف) محکمه دیگری بنشانی اینکه در يك مرحله بدوی حرف او را بی اساس دیده اند بیابند و بصرف ادعای او تقاضای او را بپذیرند و مال دیگری را توقیف کنند !! شق ثالث هم این است که در يك قسمت دیگر از ادعایش محکوم له شده است و در قسمت دیگر از ادعایش محکوم علیه شده است . خوب آنوقت بنده جوابی که در اول دادم اینجا وارد میشود یعنی در آن قسمت که محکوم له است می رود و از محکمه ابتدائی تقاضای تأمین را میکند که نسبت بمحکوم بهش و در آن قسمتی که محکوم علیه است همان استدلالی را که عرض کردم که در صورتیکه نسبت بنام ادعایش مدعی محکوم علیه شده است نسبت باین قسمتی هم که در این دعوی محکوم شده است وارد است مطلب دیگر اینکه ما باید طوری بکنیم که از نقطه نظر عمل تأمین سرعت انجام یابد و زودتر عملی بشود و بموقع اجرا گذاشته شود و در هر اشکالی که در موقع اجرای تأمین پیش میاید سرعت بشود رجوع کرد بان کسیکه قرار تأمین را داده و صادر کرده یعنی بمحکمه . اگر این سرعت نباشد که اصل تأمین بیمعنی است و فایده ندارد برای اینکه ممکن است آن اسباب را زیر و رو کرد و تمام آن اطمیناناتی که میخواستند بواسطه قرار اجرای تأمین پیدا کنند از بین برود . حالا آمدیم سرمحکمه استیناف که آقا میفرمایند این محکمه هم قرار تأمین را بدهد بسیار خوب يك شهر است دامنه حوزه اش وسیع است یعنی عبارت دیگر محاکم ابتدائی که در حوزه و قلمرو يك استیناف واقعند زیادند و متعدد البته

در اینصورت که حوزه استیناف وسعت دارد فرض بفرمائید طهران مقر محکمه استیناف است و از زنجان کار باید در صورت لزوم بیاید به طهران این درست است ؟ حالا می خواهم يك قرار تأمین را صادر کنیم محکمه استیناف طهران تا بیاید و قرار صادر کند و تا این قرار بزنان برسد هر دقیقه در موقع عمل اشکال پیدای کند مثلا مامور اجرا باید از محکمه توضیح بخواند دستور از محکمه بگیرد رجوع کند بمحکمه خوب ملاحظه بفرمائید این چه قدر طول می کشد و این در حین عمل بچه اشکالاتی بر خواهد خورد ؟ (عدل - صحیح است) این است که پس از مطالعات زیادی که شده بنده نمی خواهم عرض کنم که این مطالعات زیادی که ما کردیم يك مطالعاتی است که در مقابلش هیچ مطالعه دیگری فایده ندارد و حرف پیش نمیرود این را عرض نمی کنم ولی می خواهم عرض کنم که این ما بدون فکر و بدون مقدمه و بدون مطالعه تنظیم ننده است و روی هم رفته عقیده مان پس از مطالعات زیاد این شده که اگر بخوانیم این تأمین سرعت انجام بگیرد و بالاخره عمل ما هم از روی يك منطق و فلسفه باشد بهتر این است که بگوئیم تأمین را از محکمه ابتدائی باید خواست یا در قسمت اول قبل از حکم تأمین مدعی به درخواست و بعد از صدور حکم هم تأمین محکوم به را . حالا وجود این مقدماتی که عرض کردم باز آقایان اگر میخواهند اظهار عقیده بکنند و اگر میخواهند پیشنهادی بدهند بدهند که برود بکمیسیون و در آنجا مجدداً مطالعه بشود که در صورتیکه اکثریت موافقت بالایحه نکرد و با پیشنهاد موافقت کرد البته بنده هم مطیع هستم و بآن ترتیب قضیه را اجرا میکنم

رئیس - آقای وثوق

آقا سید مرتضی وثوق - بنده در اساس این لایه موافق هستم و خیلی هم مفید میدانم ولی يك اشکالاتی در ماده اول بنظر بنده رسیده است که عرض میکنم

مکن است بنده اشتباه کرده باشم . در ماده اول بنویسد : از حین تقدیم عرضحال نا اعلان محاکمه در مرحله بدوی (صلحیه یا ابتدائی) میتوان تأمین مدعی به را تقاضا کرد - بعد از صدور حکم حضوری نیز محکوم له ابتدائی می تواند از محکمه که حکم را صادر کرده است تقاضای تأمین محکوم به را بنماید . آقای وزیر عدلیه قضیه را تشریح کردند که بعد از آنکه مدعی در محکمه بدوی محکوم له واقع بشود چه حالی دارد و یا محکوم علیه بشود چه حالی دارد ولی بنده در شق ثانی درست ملتفت ندم اگر مدعی محکوم علیه واقع شد در محکمه یعنی مدعی محکوم به بی حقی شد و آمد و استیناف داد بعد از محکمه ابتدائی چطور و بچه شکل میتواند تقاضای تأمین نماید . و محکمه ابتدائی چه شکل میتواند قبول کند ؟ این را خودش (محکمه) حکم به بی حقیش داده است

دستی - این جور نگفتند ایشان .

وثوق - و شاید مدعی در حین محاکمه يك دلالتی اقامه کرده است برای خودش که محکمه ابتدائی آن دلالت را رد کرده و محکمه که رد کرده ادعای او را چطور می تواند بر خلاف حکم و نظر خودش باید وزای بنامین بدهد . این يك اشکال . اشکال دوم يك اصلاح عبارتی است گویا آقای آقا سید یعقوب هم فرمودند که در صورتیکه مدعی به قبلاً تأمین نشده باشد این بعقیده بنده زائد است چون اگر مدعی به تأمین نشده باشد قبلاً دیگر لازم نیست که تقاضای بشود البته تأمین قبلاً صورت گرفته دیگر کسی نمیخواهد تقاضای تأمین بکند و موقعی برای این تقاضا باقی نماند و مورد ندارد و این عبارت بعقیده بنده زائد است اما درخواست تأمین از محکمه استیناف این هم بعقیده بنده البته چون آن کسیکه می رود و استیناف میدهد مدعی است و مدعی وقتی که محکوم علیه واقع شد استیناف داد البته نمیتواند کسی که مستانف علیه واقع شده است و

مدعی بدوی است از محکمه بدوی او تقاضا کند اما اگر در همچو جایی محکمه ابتدائی تقاضای تأمین را رد کرد و او هم مدعی بوده است و تقاضای تأمین کرده است حالا هم می رود بمحکمه محکمه با آن نظری که او را محکوم کرده است تقاضای تأمین او را قبول نکنند اینجا تکلیف چیست ؟ اینجا اگر نوشته میشد محکمه استیناف بعد از صدور حکم تقاضای تأمین او را قبول نمیکند بهتر بود . دیگر بسته بنظر آنان است

وزیر عدلیه - در قسمتی که اول فرمودند بنده تصور میکنم يك اشتباهی شده اگر اقایك توجهی بفرمائید موافقت خواهند کرد که در ماده اشکالی نیست زیرا گفته میشود که از محکمه تقاضای تأمین محکوم به را بکنند معنی این این است که هر گاه مدعی در آنجا حکم بمقتضای خودش صادر کرده باشد پس بنا بر این این اعتراضی که فرمودید که چطور میشود محکمه ابتدائی که آمده و حکم به بی حقی يك کسی داده است چطور این مدعی بیاید و از این محکمه تقاضای تأمین بنماید اینطور نمیشود آقا . برای اینکه در وقتی میتواند تقاضای تأمین بکنند حکم بر له او داده شده باشد پس میبایست این جا يك محکوم بهی بر له او باشد تا بتواند تقاضای تأمین آن را بکند اگر محکوم علیه شده باشد قطعاً عرض کردم نمی تواند تقاضای تأمین بکند يك کسی که در ماهیت دعوایش رسیدگی شده و گفته شده که حق نداری نمیشود بعنوان حق نداشته احتیاطاً آمد و تقاضای تأمین را کرد (صحیح است) در قسمت دیگر که فرمودید اصلاح عبارتی دارید پیشنهاد بدهید بنده اشکالی نمی بینم که برود بکمیسیون و در صورت موافقت اصلاح شود اما راجع بمسئله سومی که فرمودند رد تقاضای تأمین که اگر رد تقاضای تأمین شده باشد این جا يك ماده است که بعد ملاحظه خواهید فرمود که رد قابل استیناف است از قبولش نمیشود استیناف داد ولی اگر رد کردند قابل استیناف است و از آن میشود استیناف داد کسی که تقاضای تأمین کرد و رد کردند می تواند استیناف بدهد

عده از نایبندگان - صحیح است. مذاکرات کافی است
رئیس - مذاکرات کافی است ؟
جمعی از نایبندگان - بلی بلی .
رئیس - پیشنهادات قرائت میشود :
پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب - پیشنهاد میکنم ماده
اول این نوع اصلاح شود :

ماده اول - مدعی پس از تقدیم عرضحال خواه در
مرحله بدوی باشد یا استیناف حق دارد تقاضای تأمین
نماید و همچنین پس از صدور حکم حضوری و در حکم
غیابی پس از اتمام مدت اعتراض
پیشنهاد آقای دکتر عظیمی - بنده پیشنهاد میکنم که
حق تأمین مدعی به محاکم استیناف داده شود
پیشنهاد آقای احتشام زاده - بنده پیشنهاد میکنم
جمله دوم ماده اول بطریق ذیل اصلاح شود : بعد از
صدور حکم نیز محکوم له بدوی می تواند از محکمه که
حکم را صادر کرده است تقاضای تأمین محکوم به را
بنماید درخواست تأمین از طرف مستألف در محکمه
استیناف پذیرفته نمیشود

پیشنهاد آقای وثوق - بنده پیشنهاد میکنم که عبارت
(در صورتی است که مدعی به قبلاً تأمین نشده باشد)
از ماده حذف شود
رئیس - ماده دوم قرائت میشود :

ماده دوم - هرگاه دعوی بحکمیت رجوع شده باشد
تأمین مدعی به ابداً از محکمه تقاضا بشود که قرار ارجاع
بحکم را صادر کرده است .

رئیس - آقای آقا سید یعقوب
آقا سید یعقوب - بنده هیچ تأثیری ندارم که کسی مرا
تصدیق کند یا تکذیب کند و همین جور هم از فرمایشات
آقای وزیر که تصدیق کند در مقابل تکذیب بنده - بنده
هیچ نظری ندارم . چون نظر بنده هم بما قال است . بنده
بک فلسفه را اینجا عرض کردم باز دو مرتبه بعرض

میرسانم رددخواست تأمین مدعی به مثل رد کردن عرضحال
بمرور زمان نیست . در مورد مرور زمان در مرحله اول
دعوی یعنی بمجوردی که عرضحال تقدیم شد اگر مدعی بمرور
زمان استناد نکند و آن را تقاضا نکند و رد نکرد دعوی را
بمرور زمان دیگر حقیقت ساقط میشود . چرا ؟ چون بر
خلاف اصل است و زمان مملک نیست و قضاوت اساساً
بگذشتن زمان مال را بدیگری نمیدهد . لکن مسئله
تأمین مدعی به این جور نیست بنده دو ساعت عرض
کردم از روی چه فلسفه است عرض کردم فلسفه آن
صیانت حق مدعی است و تضییق بر مدعی علیه . شما
بیائید و به بینید این دو فلسفه در هر کجا مورد
مصادق پیدا کنند در هر کجا در هر مرحله از مراحل
و هر مرتبه از مراتب محاکمه که است صالحیه یا ابتدائی
یا استیناف باید رسیدگی کرد خوب وقتی که میگویند
در ابتدائی میشود چرا در محکمه استیناف این حق
نباشد ؟ بچه دلیل ؟ این اولاً ثانیاً اینکه در ماده دوم
میگوید : هر گاه دعوی بحکمیت رجوع شده باشد تأمین
مدعی به باید از محکمه تقاضا شود که قرار ارجاع به
حکم را صادر کرده است .

خوب محکمه استیناف نمی تواند رجوع بحکمیت نماید
می تواند تأمین نماید ؟ محکمه استیناف را عرض میکنم ؟
البته می تواند خوب در این جا هم ماده می گویند هر
گاه دعوی بحکمیت رجوع شد باید از محکمه که قرار
را صادر کرده از او خواست تأمین مدعی به را . چون
اصل فلسفه در نظر قانون گذاران این بوده صیانت
کردن حق مدعی و تضییق بر مدعی علیه و
چون این فلسفه است این فلسفه و لو اینکه اندک
ملفت نباشد میکشاند برای دادن بحق . فلسفه و دلیل
و برهان وقتی که آمد در همه جا انسان را میکشد .
ولو آنکه ملفت هم نباشد انسان عقب دلیل می رود .
آفتاب که آمد و لوانه که متوجه آفتاب هم نباشند میکشاند
انسان را روشنائی فلسفه تأمین مدعی به صیانت حق
مدعی و تضییق بر مدعی علیه است در تمام مراتب دعوی

حالا آقای وزیر میفرمایند بموجب منطق ما این را تقسیم
میکنیم : آیا این مدعی محکوم علیه واقع شده است یا
محکوم له و آنوقت هم سه قسم است تمام محکوم علیه .
بنده عرض میکنم در هر جا که این فلسفه صیانت حق
مدعی ، موجود باشد باید حق تأمین مدعی به را داشته
باشد در محکمه استیناف هم که این معنی و فلسفه
وجود باشد باید این حق را داشته باشد . هر جا که
علت آمد معلول هم میاید . اگر فلسفه نیاید حکمت
نیاید علت هم نیاید . علت که نیامد معلول هم نیست
معلول از متفرعات علت است . این است نظر بنده .
رماده دوم هم این جور است و الا اگر این بود که
در محکمه استیناف نباشد اینجا باید بگویند هرگاه دعوی
به محکمه رجوع شده باشد تأمین مدعی به باید از محکمه
صادر شود که قرار ارجاع بحکم را صادر کرده است .
فردی در محکمه استیناف . چرا استثناء کردید ؟ پس
این استثناء کردن دلیل است که آن فلسفه در نظر بوده
است (باسائی - مقصود ابتدائی است) - با این توضیح
نمابلی ولی ماده چه چیز است ؟ ماده این است
شما حالیه میفرمایید که فلسفه این جور آمده است .

بنده در اینجا عرض میکنم هر جا که فلسفه رفت روی
ملفت دعوی محکمه که ماهیت دعوی در آنجا عنوان
شد صیانت حق مدعی را باید در نظر بگیرد و تضییق حق
مدعی علیه را باید در نظر داشته باشد برای ما چه فرق
میکند ؟ نهایت آقای وزیر عدلیه بک چیزی بیان کردند
که وقتی حکم رفت در استیناف مدعی میتواند برود و
برای موقت بخواد بنده عرض میکنم من که مدعی
ستم نمی خواهم بروم و اجرای موقت را بخوام . می
خواهم بروم تأمین مدعی به بخوام وقتی مرامسلط کردند
صاحب حق دانستند آنوقت من که مدعی هستم و حق
از این راه نمیخواهم صیانت حق خودم را بنمایم
بخوام از باب تأمین حق خودم را صیانت کنم پس
این فلسفه که در آنجا بیان کردند بنده بهتر فهمیدم تا
که اینجا فرمودید . آن جا فرمودید در استیناف راه

دارد که اجرای موقت بخواد بنده میگویم من که
مدعی هستم اجراء موقت نمیخواهم و میخواهم تأمین
مدعی به کنم اگر در این جا قبول کردید در استیناف
هم قبول کنید چنانکه این ماده هم همین طور است
وزیر عدلیه - اولاً بنده ناچارم توضیح بدهم که
آقای آقا سید یعقوب با کمال شیرین زبانی فرمودند یا
مالی فلسفه میکنم . بنده ناچارم توضیح بدهم که مقصود
از این ماده وقتی که گفته میشود : هر گاه دعوی
به حکمیت رجوع شده باشد تأمین مدعی به باید از
محکمه تقاضا شود که قرار حکمیت را داده است ،
مقصود محکمه ابتدائی است و صریح ماده فوق اصلاً
محکمه استیناف را ممنوع می کنند از این کار . حالا
باز اگر ممکن است اسباب اشتباهشان شود توضیح خواهم
داد در موقعش اساساً در این جا یک تفاوتی (نمی خواهم
بگویم در اساس) ولی بین طرز فکر آقای آقا سید یعقوب
و بنده یک تفاوت قابل ملاحظه در این لایحه هست
که گمان میکنم اکثریت کمسیون هم با طرز فکر بنده
موافق است . مقصود ما از تأمین مدعی به تضییق بر مدعی علیه
نیست مقصود ما تأمین حق مدعی است و این عبارتی که در اینجا
فرمودند مکرر هم در کمسیون فرمودند و واقعاً نظرشان این
است که ما باید مدعی الیه را در فشار بیندازیم بنده عرض میکنم
ما می خواهیم حق مدعی را تأمین کنیم اعم از
اینکه تضییقی برای او باشد یا نباشد از برای
کسی که دارای صد هزار تومان تمول است اگر
فرضاً شما بقدر دوست نومان اثبته او را توقیف کنید
برای او چه تضییقی است ؟ ما آمده ایم و گفته ایم می خواهیم
حق این آدم را تأمین کرده باشیم اعم از آنکه بر این شخص
سخت باشد یا نباشد . وقتی نظریه تضییق شد در هر جائی
از هر راهی ، بهر وسیله شما توانستید آن تضییق را فراهم
کنید آنوقت دارنده این فکر یعنی آقای آقا سید یعقوب
باید این حق را داشته باشد - ولی وقتی که مسئله تأمین
شد نا آن حدی که از برای حق آن آدم لازم است باید

تأمین شود و باید باو حق بدهیم و او آنکه بگوید من اجرای موقت نمیخواهم و تأمین میخواهم. اینکه فرمود بده میگوید من اجرای موقت نمیخواهم و تأمین می خواهم عرض میکنم مسئله دلم می خواهد و دلان نمی خواهد در کار نیست. صحبت سر دل خواه نیست. صحبت سر این است که يك مدعی آمده و يك دعوائی دارد ما بنا بر يك قوانین خیال میکنیم که حرف او بی اساس نیست بعد در يك حدودی میگوئیم باید بحرف او ترتیب اثر بدهیم یعنی مدعی بهش را تأمین میکنیم ولی ما اینجا نیامده ایم يك قانونی بیاوریم که بمحض اینکه کسی ادعائی کرد به بینیم دلخواه او چیست و بچه شکلی بچه طور بچه صیغه و در کدام مرحله او میل دارد. این طور نیست. این تفاوت در این ماده ازین دو نظر پیدا شده. يك نظر اینکه تصدیق کنیم بر مدعی علیه و نظر دیگر اینکه تأمین کنیم حق مدعی را. ولی چون بنده گمان میکنم بطرز خیلی روشن عرض کرده ام کسی که در محکمه ابتدائی آمده و محکوم به بی حقی شده است در يك قسمت نسبت بآن قسمت با در تمام قسمت نسبت به تمام قسمت آنوقت همچو شخصی نمی تواند اسباب و دارائی و بالاخره پول کسی دیگر را توقیف کند و به اعتبارات او صدمه بزند و اسباب زحمت او بشود. این تفاوت بین فکر بنده و ایشان است. ما میگوئیم اگر در ابتدائی شما پیش برید و معلوم شد حرف شما حسابی است حق دارید تأمین مدعی به بخواهید و محکوم به خودتان را تأمین کنید برای اینکه يك مرحله حق شما را تصدیق کرده است. اما اگر بحرف شما رسیدگی شد و محکوم علیه شدید دیگر من نمی توانم بگویم نظر باینکه بحرف شما رسیدگی شده و بی اساس بوده است حق دارید امروز بیایید و دارائی او را توقیف کنید. این است تفاوت قضیه. و عرض میکنم دیگر فایده ندارد این جا پیش از این در این باب صحبت کنیم. آقای آقا سید یعقوب اگر در این باب نظری دارند ممکن است پیشنهادشان را بفرمایند در کمیسیون بحث میکنیم و آنوقت می بینیم چه جور باید حل شود.

رئیس - آقای ونوق

آقا سید مرتضی ونوق - عرضی ندارم.

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

رئیس -- مذاکرات کافی است؟ (نمایندگان - بل)

ماده سوم قرائت میشود:

ماده ۳ - در صورتیکه محکمه درخواست تأمین مدعی به را رد نماید مدعی میتواند در حین محاکمه تجدید درخواست کند

رئیس -- آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب -- بنده خیلی خوشم میآید که در اینجا و او اینکه محل بی مرحمتی بعضی از آقایان واقف شوم (یعنی واقع هم نخواهم شد) باز در این قولها صحبت کنم برای اینکه آیه این قانون برای مملکت خیلی نافع است - همینطور که در ساعات در منافع يك دادستانی عرض کردم حالا آقایان پشت سر بنده نگویند که در کمیسیون عدلیه هستی بلی بنده هستم و میگویم که نظراتان چه بوده است؟ در اینجا خواستم آقای وزیر عدلیه نظر بدهم بماده دوازده در ماده سوم نوشته است: در صورتیکه محکمه در خواست تأمین مدعی به را رد نماید مدعی میتواند در حین محاکمه تجدید درخواست کند ولو آنکه این جواب را خواهند فرمود که ما بزرگی صیانت حق مدعی و حفظ حقوق او این کار را کردیم صورتیکه در ماده دوازده داریم مواردی که تأمین مدعی به الزامی است برای محکمه. وقتی که از محکمه تقاضا کرد الزامی است برای او و اگر رد کند استیناف نخواهد داد. بنده عرض میکنم در اینجا که نوشته است تجدید بخواهد این دو قسمت است. با در صورتی است که از حقوق حقه او است. یعنی برای محکمه الزامی است که اگر رد کرد میتواند استیناف بدهد. با در صورتی است که الزامی نیست یعنی بسته بنظر محکمه است چون در ماده ۱۲ این مقصود تأمین شده دیگر بنده

گمان نمیکنم باین ماده محتاج باشیم. مگر اینکه بفرمایند حق مدعی در درخواست تأمین مدعی به در تمام موارد هست - این نظر بنده بود حالا خواستم عرض کنم که اگر در این ماده غیر از این فلسفه چیزی نظر نماند نیست همان ماده دوازده کفایت میکند

وزیر عدلیه - تذکری که جنابعالی دادید باعث شد که راجع باین ماده بنده خیال میکنم توضیح بیشتری در ضمن خود قانون باید داده شود. برای اینکه آنچه را که خود بنده عرض میکنم این است در مواردی که الزامی است اگر رد کرد بایستی استیناف بدهد چون يك مدتی برای حق استیناف معین شده که اگر تا فلان مدت معین مثلا تا ده روز استیناف بدهد دیگر نمیشود. حالا اگر مدت را بگذارد بگذرد و بعد مجدداً تقاضای درخواست کند و بعد اگر دید که رد شد استیناف بدهد برای اینکه فلسفه و منطق مدت ازین میروند. بنده ده روزم را گذاشته ام گذشته است. بیایم يك مرتبه دیگر تقاضا کنم که شما قرار تأمین بدهید این مرتبه هم که رد کردم آنوقت بعنوان اینکه رد شده است جدیداً رد شده و در مرتبه ده روز شروع شده است. باین جهت آن مواردی که الزامی است اگر محکمه رد کرد تقاضای تأمین را بایستی استیناف بدهد. ولی این جا این ماده از مواردی است که الزامی نیست چون ممکن است در ابتدای امر دلائل مدعی کافی نباشد در ابتدای امر نتواند برساند که مال او در معرض تضییع است و دلائل نداشته باشد و خودتان هم در واقع قانع شده باشید و به بینید چیزی نیست که استیناف بدهید و اگر بروید استیناف هم بدهید فایده ندارد. اما بعد شما يك قرائن و دلائل جدیدی پیدا کردید آنوقت می توانید بروید چیز کنید. در هر صورت نظر بنده در این ماده این است در وقتی که الزامی است اگر در خواست را محکمه رد کرد باید از مرحله دیگری خواست و نباید از همان محکمه خواست زیرا این مرحله دیگری میتواند مجدداً روی این مسئله رسیدگی کند فرض بفرمایند يك کسی سند رسمی داشته است با وجود اینکه در وقتی که ادعائی بر سند رسمی است تقاضای تأمین حتماً باید قبول شود با

وجود این يك قاضی آمد و رد کرد شما از آن قاضی دیگر چه توقعی دارید و برای چه از او دیگر تقاضای می کنید؟ او دیگر نمی تواند روی همچو قضیه مسامی چیزی بگوید. در این صورت باید برود به مرحله بالاتر ولی اگر يك مسئله بیاید که روی تفاوت باشد. امروز شما يك دلائلی آوردید که مال در معرض تضییع است و او کافی نمیداند ولی فردا شما می آید و يك دلائل دیگر یا سند و شهود دیگری میآورید که يك قسمت از مال در معرض تضییع است و در واقع هم این طور است. آنوقت ممکن است از خود این آدم خواست و محتاج باین نیست که شما از جای دیگر بخواهید در هر حال این نظر بنده است ولی برای اینکه مطلب روشن تر بشود و کار بتعویق نیفتد باید در این تذکری که شما دادید يك پیشنهادی تهیه کنید که قدری روشن تر باشد و در کمیسیون مطالعه شود

رئیس - آقای دکتر عظیم

دکتر عظیم - بنده بخواهم درخواست که نوشته اند مخالفم مگر با يك اصلاحاتی. و اصلاح عقیده ام این است که نباید محکمه ابتدائی قرار این تأمین را صادر کند چرا برای اینکه عقیده بنده بر خلاف آن اصلی است که آقای آقا سید یعقوب فرمودند که صد هشتم تا صد با صد صد حق با مدعی است این را بنده مخالفم. برای اینکه اصل این است که مدعی بیخود میگوید و مدعی علیه درست میگوید. پس قبل از اینکه محکمه ابتدائی حکم بر له او صادر کند یا با استیناف برود تا معلوم باشد که محکوم له شده او رفته استیناف داده حق تأمین صحیح است. اگر بنا باشد اصل را این بگیریم که مدعی راست می گوید و مدعی علیه دروغ می گوید این صحیح نیست برای اینکه اصل این است که مدعی مفتری است و مدعی علیه صحیح میگوید و اینجا بر خلاف اصل است. باین جهت تجدید در خواست به عقیده بنده نباید بشود مگر اینکه بنویسیم در صورتیکه

دلایل جدیدی پیدا کند آوقت می تواند تجدید درخواست کند ولی اینجا هیچ این را ندارد فقط می نویسد : می تواند در حین محاکمه تجدید در خواست کند ؟ باین جهت پیشنهادی در این زمینه من کرده ام که تقدیم می کنم .

وزیر عدلیه - بنده کاملاً با قسمت اخیر فرمایشات نماینده محترم موافق هستم مقصود هم همین است که دلایل جدیدی پیدا کند و الا با همان دلایل سابق خودش که رد شده اگر مجدداً بخواهد وقت محکمه را بگیرد تقاضا کند فائده نخواهد داشت حالا با وجود اینکه فرمودید برای اینکه عبارت روشن تر باشد اگر پیشنهاد بفرمائید بهتر است و الا مقصود همان است .

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - بنده خیلی اولاً خوشحالم که آقای دکتر عظیمیا متوجه عرایض بنده هستند . ولی چون در قانون نبود ما خواستیم در کمیسیون تاسیس يك اصلي را بکنیم و آن اصل این بود که وقتی مدعی بمحکمه تقدیم عرضحال کرد ما او را کاذب نمیدانیم زیرا بموجب احصائیه که شده است در صد نفری که عرضحال تقدیم کرده اند با اکثریت هشتاد نفر صادق بوده اند و وقتی که اکثریت صادق شد . چون حکم هم باغلب میرود از این جهت ما این اصل را اتخاذ کردیم که مدعی کاذب نیست این اصل قرار دادی را ما اتخاذ کردیم نه اینکه ما بگوئیم کل مدعی صادق یا کاذب . ما گفتیم این اصل را از این طرف می بریم و این را دیگران بردند و بنده میگویم که دعوی مدعی مثل خبر است که : الخبر یحتمل الصدق و الکذب . آقای افسر گفتند این بر خلاف قول اعم و اغلب است بنده نمیگفتم هر مدعی مسلماً صادق است . گفتیم باعتبار اعم و اغلب ما يك اصلی را اتخاذ میکنیم و آن این است که مدعی صادق است و از روی این اصل قرار دادی میگیریم و این نتیجه را میگیریم این بود نظر بنده

کدام میکنم باید از شان استمداد بخویم بر حقانیت خودم . آن اندازه که بنده خودم محتاج شدم به عدلیه وقتی که عرضحال دادم به عدلیه در آنجا باید در عرضحال تعیین مدعی به خودم را بکنم یا اگر مدعی به خودم را تخمیناً گفتم در جلسه اول باید مدعی به خودم را معین کنم این چیزی است که بنظر من می آید و اگر آقایان هم رجوع کرده باشند دیده اند که همین است حالا بنده غرض چیست ؟ غرض این است که از متممات عرضحال که در جلسه اول عرضحال تقدیم میشود تعیین مدعی به است . تعیین میکنم که مدعی به من چه چیز است و الا مدعی به کلی من که از شما طلب دارم چقدر است بدانم لکن در آنجا تعیین میشود . پس این عبارت در این ماده چهارم صحیح نیست و بنده آزا طور دیگر اصلاح کردم . در ماده چهارم نوشته است در خواست تعیین را فقط در ادعائی میتوان نمود که میزان باعین مدعی به معین باشد . اگر اینطور نباشد که عرضحال پذیرفته نیست ؟

طباطبائی دیبا - چرا .

آقا سید یعقوب - برای اینکه اگر معین نباشد عرضحال پذیرفته نمیشود اگر هم عرضحال تخمیناً است در جلسه اول باید تعیین کنم که چقدر است . این است که بنده اصلاح این ماده را این جور کردم در صورتیکه در ضمن تقسیم عرضحال میزان مدعی به معین نشده باشد در ضمن محاکمه پس از تعیین میزان مدعی به مدعی میتواند درخواست تأمین نماید . چرا ؟ برای خاطر اینکه اینجا یک قسم از اقسام دعوی را خارج میکنند یعنی معلوم میکنند که يك قسم از دعوی وجود دارد که در آن دعوی محاکمه میشود و تا آخر محاکمه میتوان تأمین را درخواست کرد در صورتیکه آن محاکمه نسبت بمدعی بی است که غیر معین است . بنده نظرم نیست که محاکمه تا آخرین جلسه محاکمه بشود و مدعی به آن غیر معین باشد و محکمه حکم مدعی يك شیئی غیر معین . باید معلوم شود مدعی به

چیز است تا محکمه حکم بدهد در يك موضوعی . از این جهت چون نقصان است و سوء استفاده میشود از این ماده این است که بنده ماده را اینطور اصلاح کردم و پیشنهاد کردم که بعد از آنکه در خود عرضحال معین نکرد است میزان مدعی به را که در جلسه محاکمه بعد از تعیین میزان آن میتواند در خواست تأمین را بکند اینهم پیشنهادم (تقدیم مقام ریاست نمود)

یاسائی (مخبر کمیسیون) - اگر نظر آقای آقا سید یعقوب باشد در لایحه دولت عبارت اینطور بود . درخواست تأمین را فقط در ادعائی میتوان نمود که قیمت با عین مدعی به معین باشد . بعد بعضی از آقایان اظهار کردند که لفظ « میزان » جامعتر از قیمت است و قبول شد بجای آن تفاوتی هم ندارد و اینقدر ها از نقطه نظر فهم قضاة فرقی نمیکند برای اینکه این معنی را میفهمند . اما اینکه فرمودند عرضحالی که مدعی به معین نباشد اصلاً نباید بپذیرند این صحیح است ولی این مروط باینجا نیست . ممکن است مدعی به معین باشد ولی نشود تقویم کرد و قابل قیمت نباشد . چطور ؟ بگمرتبه بنده مدعی تولیت يك ملكی هستم حق تولى را تقاضا میکنم . بگمرتبه حق التولیه میخواهم این مالی است میگویم عشر یا خمس که حق التولیه است میخواهم . اینجا چون مالی است قابل تقویم است باید قیمت آن معین شود . ولی اگر من مدعی شدم که اصلاً من متولى هستم این حق قابل تقویم نیست . پس معلوم شد مورد دارد یعنی جاهائی هست که حق هست لکن قابل قیمت نیست مدعی به برای اینکه دعوی متوجه به عین ملك موقوفه نیست دعوی راجع است به حق تولى و همینطور راجع وصایت . من مدعی میشوم که وصی هستم حق وصایت نه قابل تقویم است و نه مدعی به آن عین معینی است و کلیه حقوق ارتفاقی و حقوق مالی و غیر مالی در ضمن يك چیز هائی پیدا میشود که نه قابل تقویم است و نه عین خارجی دارد لذا در اینجا قید شد که در جائی میشود تأمین مدعی به را درخواست کرد که یا قیمت مدعی به معلوم باشد یا اصل

رئیس - معلوم میشود مذاکرات کافی است چون کسی اجازه نخواسته است . پیشنهادات قرائت میشود (سه فقره پیشنهاد بشرح آتی خوانده شد) در ماده سوم این اصلاح شود :

در مواردی که تقاضای تأمین الزامی باشد تجدید درخواست تأمین نخواهد شد جز باستیناف

(یعقوب الموسوی) بنده پیشنهاد میکنم که ماده ۳ این طور نوشته شود مدعی می تواند در حین محاکمه در صورت دانستن دلایل جدید تجدید درخواست کند (دکتر حسنخان) پیشنهاد مینمایم ماده سوم بترتیب ذیل اصلاح شود : در صورتی که محکمه درخواست تأمین را رد نماید مدعی می تواند در صورتیکه از قرار رد تأمین استیناف نداده باشد در حین محاکمه تجدید درخواست کند

(طباطبائی دیبا)

(۴- استرداد لایحه راجع به استخدام افراد نظمی)

وزیر داخله (سمعی) - چند روز قبل يك لایحه تقدیم کرده بودم به مجلس شورای ملی راجع باستخدام افراد نظمی چون محتاج شده است که يك تجدید نظری در بعضی مواد آن بشود تقاضا میکنم که آن لایحه منسوخ شود تا بعد از تجدید نظر مجدداً تقدیم شود .

(۵- بقیه شور لایحه تأمین مدعی به از ماده ۴)

رئیس - ماده چهارم قرائت میشود (بشرح آتی قرائت شد)

ماده چهارم - درخواست تأمین را فقط در ادعائی میتوان نمود که میزان با عین مدعی به معین باشد .

رئیس - آقای آقا سید یعقوب آقا سید یعقوب - این موضوع ماده چهارم مدعی عملی است . آقایانی که در عدلیه بیشتر کار کرده اند

مدعی به قابل توقیف باشد (چون تأمین را شما متوجه گردید بتوقیف) ولی باید يك چیزی باشد که قابل توقیف باشد

رئیس - آقای شریعت زاده موافقت؟

شریعت زاده - بلی .

رئیس - اجازه دیگری خواسته نشده است . پیشنهاد

آقای آقا سید یعقوب قرائت میشود

(بشرح آتی خوانده شد)

پیشنهاد میکنم ماده چهارم این نوع اصلاح شود

ماده چهارم - در صورتیکه در ضمن تقدیم عرضحال میزان مدعی به معین نشده در حین محاکمه پس از تعیین میزان مدعی به مدعی میتواند در خواست تأمین نماید

رئیس - ماده پنج قرائت میشود

(بشرح ذیل خوانده شد)

ماده پنجم - در موارد ذیل محکمه مکلف بصدور قرار تأمین است .

۱ - هرگاه مستند دعوی سند رسمی باشد یا سند عادی که دارای اعتبار سند رسمی شده .

۲ - هرگاه مستند دعوی سند عادی ولی مدعی به در معرض تضییع و تفریط باشد

۳ - هرگاه مستند دعوی سند عادی است و مدعی برای جبران خساراتی که ممکن است از تأمین بطرف وارد شود و محکمه میزان آنرا تخمین خواهد کرد تأمین بدهد .

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - در قانون محاکمات حقوقی

سابق که بود در آن مسئله تأمین مفضلاً با يك مقدمانی عرض کردم اینجا بین این و آن خیلی فرق است یعنی در اینجا خیلی ملاحظه حفظ قانون و حفظ حقوق شده است و در آنجا خیلی بر سیبل اجال است آنرا ما در اینجا تفصیل دادیم که در چه موارد الزامی است

مدعی به در معرض ضایع شدن و تلف شدن باشد . چیزی است میگذارند آنجا ضایع میشود و باید دور بزنند در این موارد ضایع شدن و تلف شدن باید نوشته شود . این یکی . یکی دیگر برای اطلاع عرض میکنم که معلوم شود . نوشته است مستند دعوی سند رسمی باشد در قوانین دیگر سند رسمی و آن سندیکه در حکم سند رسمی است معین شده واشکالی ندارد . و همینچنین راجع بقسم سوم . این سه قسم را دوات در نظر گرفت و آرورد در کمیسیون حالا بنده نظر خودم را نسبت به تضییع و تفریط عرض کردم حالا دعوت میکنم مجلس شورای ملی را که اگر نظر دیگری در این مسئله دارند چون قضیه خیلی با اهمیت است پیشنهاد بدهند . این بود نظر بنده .

مخبر - تصور می کنم که این لفظ تضییع و تفریط از نقطه نظر لغت عربی همین طوری است که میفرمایند ولی کلمات عربی در استعمال میان عبارات فارسی يك تفاوتی پیدا کرده است . درست است که اگر ما بخواهیم ضایع یا تلف بنویسیم درست تر است ولی هیچ فارسی زبانی اینچنین استعمال نمیکند . . .

آقا سید یعقوب - ضایع بانضییع فرق دارد . فارسی است .

مخبر - همینچیزی است که خودتان استعمال کردید هیچ فرقی ندارد . عرض میکنم که فرق است بین تلف و تفریط . عرب نمیکوید که من زردبند دارم میگوید من زرد پیدا کردم اما هرگز فارسی زبان نمیکوید . اگر بگوید باو می خندند این کلمه هم همینطور است . پس عرب زردبند نمیکوید . زردبند فکری . چرا ؟ چون عیناً درست نیست . این کلمه تفریط و تضییع هم از معنی است که ملزم است . مثلاً خرزهره را اگر گذاریم تأمین شود این تلف میشود ضایع می شود میوه است ضایع میشود تلف میشود يك جنسی است که ضایع میشود این است که بنده خواستم عبارت يك طوری است که بنویسند هرگاه مستند دعوی سند عادی ولی

رئیس - آقای حاج سید محمود

حاج سید محمود - عرض کنم این تضییع و تفریط از طرف مدعی علیه است هم تضییع صحیح است هم تفریط در ماده دیگر هم هست عذر او خواسته است .

وزیر عدلیه - بنده وارد این نمیشوم که بخوام عرض کنم کدام لغت از حیث ریشه بهتر است و کدام لغت از حیث عربیت بهتر است و بنده مقصود را عرض میکنم مقصود از این ماده این است مگر اینکه اصلاً تصریح بشود که بر خلاف این رأی داده شود . مقصود این است که مدعی علیه دارد آن مدعی به را از بین میبرد یا انتقال بدیگری میدهد و مدعی به را ضایع میکند نه اینکه مال مثلاً خیار است و دارد ضایع میشود چون مادام که من تأمین نکرده ام (اگر آن مدعی به بر فرض ضایع شد یا نشد اصلاً وارد در آن نیستیم) ولی اگر مدعی علیه دارد اموال خودش را صلح میکند بدیگری مال خودش را انتقال میدهد بدیگری بعد از مدتی که من ثابت کردم خواهد گفت من ملزمم برای اینکه این وضعیت پیش نیاید که مال در معرض تضییع و تفریط واقع شود یا استیجاب را مثلاً دارد طوری استعمال میکند که از بین خواهد رفت در این قبیل مواقع می آید بعد از اینکه من رساندم که مال من اینطور در معرض ضایع شدن و از بین رفتن است تقاضای تأمین میکنم حالا که آمدیم يك مالی را تأمین کردیم ممکن است این یکی از آن اموالی باشد که شما اگر نگاه دارید و توقیف کنید خراب میشود آنوقت همانطور که فرمودید فرضاً خیار است خرزهره است محصولی است که خراب میشود فاسد خواهد شد ضایع خواهد شد این را باید مطابق يك ماده دیگری بفروشد و قیمت را توقیف کند مقصود بنده از این ماده این بوده است حالا هم بنده تصریح میکنم بهر عبارتی که مقصود را بهتر برساند باشد .

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است .

آقا سید یعقوب - بنده اجازه میخواهم .

رئیس - بفرمائید .

آقای یاقوب - آقای وزیر عدلیه توجه فرمایند که اینطوری که فرمودند در کمیسیون این قسم بود پس معلوم میشود قسم دیگری هم پیدا شد . يك مالی است که فی حد ذاته ضایع شدن است . يك مالی است که مدعی علیه میخواهد آنرا ضایع کند ما مرادمان این نبود آنچه که بنده در کمیسیون هم فهمیدم (و ممکن است بعد هم جور دیگر صحبت بشود) اینجور بود که مالی فی حد ذاته قابل ضایع شدن و تلف شدن است نه مالی که مدعی علیه تضییع یا تفریط بکند یا تلف بکند اگر این نظر هم هست پس معلوم است که چهار قسم است . ماده را بخوانید این يك قسم مالی است که مدعی علیه میخواهد تضییع کند خیلی خوب این يك قسم است و باید تصریح شود که مدعی علیه در مقام تضییع مال است این قسم غیر از آن قسمی است که محل حرف ما است . يك قسم این است که مدعی علیه متلف و مضیع است میخواهد مال را ضایع بکند . يك قسم است که مال فی حد ذاته قابل دوام نیست در هر صورت بنده عقیده ندارم این را که قابل دوام نیست تا همین بکنند و باید قیمت آن را تامین کرد بنده اینطور عقیده دارم که مالی را که فی حد ذاته قابل تامین نیست و قابل این نیست که در توقیف باشد نباید تامین کرد و قیمت آنرا باید تامین کرد اگر نظر آقای وزیر عدلیه این باشد باید این قسم دیگر را هم زیاد کنیم .

وزیر عدلیه - عرض کنم بنده گمان میکنم که دیگر توضیح بیشتری لازم ندارد مگر این است پیشنهادی در این خصوص بدهید یعنی نظر خودتان را ولی بنده نظر دیگری در این خصوص ندارم که عرض کنم .

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است .

(۶ -- موقع دستور جلسه بعد - ختم جلسه)

رئیس - جماعتی از آقایان تقاضا کرده اند که جلسه زودتر ختم شود برای اینکه کمیسیون بودجه را می خواهند انتخاب کنند و تقاضای مشروعی است که موافقت کنیم کمیسیون بودجه و کمیسیون محاسبات مجلس را لازم است انتخاب کنیم از شعب مقرر ۱۷ مرداد ۱۳۰۸ کمیسیون بودجه هجده نفر است کمیسیون محاسبات شش نفر . آقای روحی فرمایشی در این موضوع دارید بفرمائید

روحی -- عرض کنم چون همچو معلوم شد که عدد از آقایان اعضاء کمیسیون بودجه فعلی استعفا کرده اند می خواستم استدعا کنم اسامی آنها قرائت بشود که بدانیم کدام از آنها قابل انتخاب ثانی هستند .

رئیس - اداره تقنینیه موقعی که باین کار شروع می کنیم شما را آگاه خواهند کرد و همینطور است که فرمودید .

روحی -- مقصود این است که استعفای آنها استعفا رسمی است که در موقع انتخاب قابل انتخاب نخواهد بود رئیس - بدیهی است . اگر موافقت میفرمایند جلسه را ختم میکنیم جلسه آینده یکشنبه ۲۶ آبان دستور لایحه فعلی

(مجلس یکربع ساعت قبل از ظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی -- دادگر